



فصلنامه گویش پژوهی

نشریه علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شاپا چاپی: ۵۲۲۵-۲۶۷۶

دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



نگرش فارسی زبانان ساکن کرج به گونه‌های محلی زبان فارسی

Attitudes of Persian Speakers Residing in Karaj toward Local Varieties of the Persian Language

ساحل کمالی صدر^۱، آتوسا رستم بیک تفرشی^۲✉، یحیی مدرسی^۳

^۱ Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

^۲ Associate professor, Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,

Tehran, Iran; Corresponding author: a.rostambeik@ihcs.ac.ir

^۳ Professor, Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

^۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار پژوهشگاه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،

ایران. نویسنده مسئول: a.rostambeik@ihcs.ac.ir

^۳ استاد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲

واژگان کلیدی

نگرش زبانی

فارسی‌زبانان

گونه‌های محلی

برنامه‌ریزی زبان

گویش‌شناسی ادراکی

چکیده

برای موفقیت برنامه‌ریزی زبانی، آگاهی از نگرش‌های زبانی افراد جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. مطالعه نگرش‌های زبانی به دو حوزه گویش‌شناسی ادراکی و زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی مربوط می‌شود. پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی نگرش فارسی‌زبانان نسبت به گونه‌های محلی زبان فارسی و پاسخ به این پرسش که متغیرهای اجتماعی چه تأثیری بر نگرش افراد در حوزه‌های شأن، آموزش، کاربرد و حفظ این گونه‌ها دارند، شکل گرفته است. نمونه آماری پژوهش، ۲۲۴ دانشجوی فارسی‌زبان ساکن شهر کرج هستند که به روش نمونه‌گیری نیمه‌تصادفی انتخاب شده‌اند. متغیرهای ثابت پژوهش، سن، جنسیت و تک‌زبانه یا دوزبانه بودن را شامل می‌شوند. نتایج نشان می‌دهند که درصد بیشتری از مردان با حفظ و آموزش گونه‌های محلی موافق هستند. در عین حال، نگرش مثبت افراد به حفظ، آموزش و کاربرد گونه‌های محلی با افزایش سن، بیشتر می‌شود. افراد دوزبانه بیشتر از افراد تک‌زبانه نسبت به آموزش گونه‌های محلی در مدارس نگرش مثبت دارند. در مجموع، بیشترین نگرش مثبت به حوزه حفظ گونه‌ها (۷۹ درصد) و پس از آن به ترتیب به آموزش و یادگیری گونه‌های محلی (۷۳ درصد) تعلق دارد. ۶۵ درصد افراد نگرش مثبتی به کاربرد گونه‌های محلی و ۶۳ درصد نیز نگرش مثبت به شأن گونه‌های محلی داشته‌اند.

Abstract: For successful language planning, understanding the linguistic attitudes of community members is of great importance. The study of language attitudes is related to two areas: perceptual dialectology and socio-cognitive linguistics. The present study aims to examine Persian speakers' attitudes toward local varieties of the Persian language and to answer the question of how social variables influence individuals' attitudes in the domains of status, education, use, and preservation of these varieties. The study sample consists of 224 Persian-speaking university students residing in Karaj, selected through semi-random sampling. The fixed variables in this research include age, gender, and being monolingual or bilingual. The results show that a higher percentage of men support the preservation and teaching of local varieties. At the same time, positive attitudes toward the preservation, education, and use of local varieties increase with age. Bilingual individuals have a more favorable attitude toward the teaching of local varieties in schools than monolinguals do. Overall, the strongest positive attitude is toward the preservation of varieties (79%), followed by education and learning of local varieties (73%). Additionally, 65% of participants expressed a positive attitude toward the use of local varieties, and 63% had a positive attitude toward their status.

History

Received: April 09, 2025

Accepted: June 12, 2025

Keywords

language attitudes

Persian speakers

regional varieties

language planning

perceptual dialectology

استناد: کمالی صدر، ساحل، رستم بیک تفرشی، آتوسا، مدرسی، یحیی (۱۴۰۴). نگرش فارسی‌زبانان ساکن کرج به گونه‌های محلی زبان فارسی. گویش‌پژوهی، (۱)، ۴۷-۶۳.

<https://dx.doi.org/10.61882/jdr.1.1.4>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، فصلنامه گویش‌پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

ایران کشوری است که از دیرباز مهد اقوام گوناگون بوده و تنوع فرهنگی و زبانی از ویژگی‌های جالب توجه آن و بخشی از میراث فرهنگی کشور به‌شمار می‌آید. مدرّسی (Modarresi, 2012: 164) درباره تنوع زبانی چنین می‌گوید: «همه زبان‌ها دارای گونه‌های فردی، محلی و اجتماعی متفاوتی هستند که به‌وسیله افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون در مناطق جغرافیایی مختلف و در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت به‌کار گرفته می‌شوند. بنابراین، رفتار زبانی گویندگان یک زبان به لحاظ ویژگی‌های فردی و گروهی با یکدیگر متفاوت است». زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و سبک‌ها و گونه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد.

امروزه، به‌علت تمایل نسل جوان به استفاده از فارسی معیار و گریزان بودن آن‌ها از کاربرد گویش‌ها و گونه‌های محلی، خطر زوال این گونه‌ها دوچندان شده است. برخی مطالعات نیز نشان می‌دهند که والدین تمایلی به آموزش زبان محلی خود به فرزندانشان ندارند. بسیاری از نوجوانان و جوانان، بر اساس نتایج تحقیقاتی چون مشایخ (Mashayekh, 2002)، بشیرنژاد (Bashirnezhad, 2004)، رضانی، رستم‌بیک و واسوجویباری (Ramezani et al., 2014)، تمایلی به استفاده از زبان یا گویش محلی ندارند و تنوع‌های زبانی در تمام سطوح، مانند تنوع‌های گویشی یا لهجه‌ای، روندی نزولی را طی می‌کنند. یکی از ضروریات انجام تحقیقاتی از این دست، اهمیت حفظ گویش‌ها و گونه‌هاست. زبان‌ها و گویش‌ها بخشی از ذخایر و میراث فرهنگی ما هستند. وقتی یک زبان می‌میرد، تنها آن زبان نیست که از بین می‌رود، بلکه تمام خرده‌فرهنگ‌هایی که با آن مرتبط هستند نیز نابود می‌شوند.

مسئله مهم دیگر که انجام این‌گونه تحقیقات را ضروری می‌سازد، نقش و اهمیت اطلاع از نگرش‌های مردم در فرایند برنامه‌ریزی برای حفظ این گونه‌هاست. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت حفظ تنوع زبانی در چارچوب برنامه‌ریزی زبانی مطرح می‌شود. به تعریف مدرّسی (Modarresi, 2012: 256)، «فعالیتی روش‌مند و سازمان‌یافته است که برای حل مسائل زبانی یک جامعه از طریق ایجاد تغییرات آگاهانه در ساخت یا کاربرد زبان انجام می‌گیرد». برنامه‌ریزی زبان بیش از سایر جنبه‌های برنامه‌ریزی با ارزش‌ها، عادات، نگرش‌ها و احساسات انسانی سروکار دارد و از همین رو، امری بسیار دقیق و ظریف است که باید با در نظر گرفتن عوامل مختلف و فراهم آوردن امکانات گسترده به انجام برسد. پیش از مرحله برنامه‌ریزی و تعیین هدف‌ها، لازم است کلیه اطلاعاتی که می‌تواند به نوعی در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزان مؤثر واقع شود، گردآوری و بررسی گردد؛ در غیر این صورت، برنامه‌ریزی و اجرای آن نمی‌تواند با موفقیت کامل روبه‌رو شود. در این میان، نگرش زبانی اعضای جامعه نسبت به این تنوع‌ها و تفاوت‌ها، نقش مهمی در موفقیت برنامه‌ریزی زبانی برای حفظ این گونه‌های زبانی دارد.

برنامه‌ریزی زبانی ممکن است در حوزه گسترش کاربرد زبان باشد، ممکن است به‌طور کلی به بالا بردن شأن زبان‌های غیرمعیار و محلی از طریق تأکید بر اهمیت و جایگاه این زبان‌ها بپردازد یا بر حفظ این تنوع زبانی با برنامه‌ریزی برای آموزش زبان‌های غیرمعیار و برنامه‌ریزی در حوزه پیکره متمرکز شود. رستم‌بیک به نقل از دومرت (Deumert, 2001: 644, as cited in Rostambeik, 2017) اشاره کرده است که «برنامه‌ریزی زبانی به فعالیت‌های عامدانه و آگاهانه آینده‌نگری اطلاق می‌شود که با هدف تأثیرگذاری بر گنجینه/ذخیره زبانی و رفتار زبانی جوامع، معمولاً در سطح دولت‌ها اتفاق می‌افتد. اصطلاحات دیگری که در معنایی مشابه با برنامه‌ریزی زبانی در این حوزه مطرح هستند، عبارت‌اند از: مهندسی زبان، مدیریت زبان، استانداردسازی زبان، تصمیم‌گیری زبانی و توسعه زبان». مدرّسی (Modarresi, 2012: 253) نیز برنامه‌ریزی زبان را این‌گونه تعریف می‌کند: «برنامه‌ریزی از فعالیت‌هایی است که در دوران معاصر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی - فرهنگی رایج گردیده و در حل بسیاری از مسائل و معضلات کشورهای مختلف نقش مؤثری ایفا کرده است. برنامه‌ریزی زبان

از جدیدترین جنبه‌های برنامه‌ریزی است». به باور ایشان، «برنامه‌ریزی زبان را می‌توان فعالیتی روش‌مند و سازمان‌یافته دانست که برای حل مسائل زبانی یک جامعه، از طریق ایجاد تغییرات آگاهانه در ساخت یا کاربرد زبان انجام می‌گیرد».

رستم‌بیک (۱۳۹۶) همچنین به نقل از بمگبوز (Bamgbose, 1991: 110, as cited in Rostambeik, 2017) به این نکته اشاره کرده است که «از نهادهای اجتماعی مهم در برنامه‌ریزی جایگاه یک زبان، به‌ترتیب جایگاهشان، به این شرح‌اند: دولت، مجلس، دادگاه‌ها، نهادهای اداری، نهادهای آموزشی، نهادهای تجاری و رسانه‌ها. فعالیت‌های مرتبط با برنامه‌ریزی پیکره، پیش از پرداختن به برنامه‌ریزی زبانی و به‌منظور دستیابی به نتایج ملموس، ضروری است و علاوه بر این، انجام برخی فعالیت‌های مقدماتی و آماده‌سازی در فرایند برنامه‌ریزی زبانی باید مورد توجه قرار گیرند، از جمله: پیمایش‌های مرتبط با زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعات توصیفی و...».

تنوع زبانی و فرهنگی برای عده‌ای خوشایند و برای گروهی دیگر موجب نگرانی است. اطلاعاتی که در زمینه هویت و ایجاد نگرش مثبت نسبت به زبان‌ها و گویشوران آن‌ها در دست است، برای گروهی بسیار اهمیت دارد و در ایجاد این حس تلاش می‌کنند؛ در حالی که گروه دیگر معتقدند که ایجاد این حس، وظیفه آموزش رسمی نیست، بلکه وظیفه خانواده‌ها و جوامع است (Brisk, 2001: 699, as cited in Rostambeik, 2017).

در هر حال، آگاهی از نگرش افراد جامعه نسبت به تنوع زبانی و راهکارهای عملی پیشنهادشده در برنامه‌ریزی زبانی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بررسی نگرش زبانی، به لحاظ نظری، در دو رویکرد در حوزه زبان‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد: گویش‌شناسی ادراکی و زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی.

پرستون (Preston, 1999: XXIV, as cited in Rostambeik, 2015)، گویش‌شناسی ادراکی را بازنمود توجه گویش‌شناسان، زبان‌شناسان اجتماعی و گونه‌شناسان به زبان‌شناسی عامیانه تعریف می‌کند. به‌طور کلی، هدف اصلی این حیطه، تعیین میزان آگاهی گویشوران نسبت به تفاوت‌های زبانی است و پرسش‌هایی چون: «افراد غیرمتخصص درباره تنوع زبانی چه می‌گویند؟» و «از دید آن‌ها این تنوع‌ها چه نقشی ایفا می‌کنند؟» از جمله موضوعات مورد بررسی در گویش‌شناسی ادراکی هستند. این اطلاعات معمولاً از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه و واکنش نسبت به نمونه‌های صدای ضبط‌شده از گویشوران استخراج می‌شوند.

زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی، رویکرد نوینی است که از تلفیق دو رویکرد زبان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی اجتماعی شکل گرفته است. مطالعات این حوزه به دو دسته کلی مطالعه «تنوع معنایی» و «معنی تنوع زبانی» تقسیم می‌شوند که پژوهش حاضر به دسته دوم، یعنی «معنی تنوع»، مربوط می‌شود؛ این که نگرش‌های افراد و شناخت‌شان از تنوع‌های زبانی چگونه تبیین می‌شود. این رویکرد را می‌توان تلاشی در جهت رسیدن به همسویی میان زبان‌شناسی شناختی و جامعه‌شناسی سنتی دانست (Geeraerts, Kristiansen, Peirsman, 2010: 1).

بدیهی‌ترین پرسش در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی این است که چگونه تنوعات درون‌زبانی بر وقوع پدیده‌های زبانی تأثیر می‌گذارند. همان‌گونه که کاربران زبان، تنوع زبانی را درک می‌کنند و این تنوع برای آن‌ها معنادار است، وقایع اجتماعی و تفاوت در کاربرد زبان را نیز - هنگامی که در زبان بازتاب می‌یابد - مقوله‌بندی می‌کنند. این مقوله‌بندی، یکی از پدیده‌های مورد توجه در رویکرد زبان‌شناسی شناختی است که به پرسش‌هایی از این قبیل می‌پردازد:

کاربران زبان چگونه تفاوت‌های گونه‌ای را درک می‌کنند و چه نگرشی نسبت به تنوع‌های گونه‌ای دارند؟

کاربران زبان چگونه سخن‌گویان گروه‌های دیگر را مقوله‌بندی می‌کنند؟

و یا این که عوامل ادراکی و نگرشی تا چه میزان بر تغییر زبان تأثیرگذارند؟

از نقطه نظر جامعه‌شناسی زبان، اینجا نقطه‌ای است که زبان‌شناسی شناختی با گویش‌شناسی ادراکی و تا اندازه‌ای نیز با روان‌شناسی زبان تلاقی پیدا می‌کند (pp. 9-10). به این ترتیب، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در سه حوزه گویش‌شناسی ادراکی، زبان‌شناسی اجتماعی (برنامه‌ریزی زبان) و زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی جالب توجه باشد.

در پژوهش حاضر، با هدف شناسایی نگرش فارسی‌زبانان به گونه‌های محلی زبان فارسی، تلاش شده است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که فارسی‌زبانان چه نگرشی به گونه‌های محلی زبان فارسی دارند و متغیرهای اجتماعی چه تأثیری بر نگرش این افراد می‌گذارند؟ منظور از «فارسی‌زبان» در این پژوهش - که معیار ورود به مطالعه نیز بوده است - فردی است که سال‌ها در شهری فارسی‌زبان زندگی کرده است و ابزار ارتباطی وی، زبان فارسی معیار است و به آن تسلط نسبی دارد، اعم از این که تک‌زبان یا دوزبان باشد.

۲. پیشینه

در زمینه نگرش‌های زبانی به گونه‌های زبانی غیرمعیار، پژوهش‌های غی‌ایرانی مختلفی در قالب کتاب، با هدف بررسی نقش نگرش‌های زبانی یا بررسی موردی نگرش زبانی یک جامعه زبانی انجام شده‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به آدگیجا (Adegbiya, 1994) اشاره کرد که به بررسی نگرش‌های زبانی در آفریقای سیاه پرداخته است. گرت، کاپلان و ویلیامز (Garrett et al., 2003) در کتاب خود به بررسی نگرش‌های زبانی پرداخته و معنای اجتماعی گویش و قومیت را کاویده‌اند. میلر (Miller, 2017) به بررسی رابطه تسلط بر زبان و نگرش‌های زبانی توجه کرده و این موضوع را در میان جوانان دوزبان اسپانیایی - انگلیسی بررسی کرده است. سائلی (Saeli, 2018) نگرش تهرانی‌ها به چهار گونه تهرانی، آذری، اصفهانی و گیلکی را با روش پرسش‌نامه‌ای بررسی کرده است. در این پژوهش، ۱۸۸ آزمودنی شامل ۸۴ زن و ۱۰۴ مرد شرکت داشتند که همگی در تهران متولد و بزرگ شده بودند. نتایج نشان می‌دهد که جنسیت، سن و سطح تحصیلات در ارزیابی آزمودنی‌ها تأثیرگذار است و در سؤال‌های با پاسخ باز، تجربیات شخصی، کلیشه‌های اجتماعی، دوستانی از قومیت‌های مختلف، جوک‌های قومیتی و مشاغل منسوب به اقوام مختلف به عنوان دلایل اصلی در ارزیابی‌ها عنوان شده‌اند. کریچر و فاکس (Kricher & Fox, 2019) نگرش افراد نسبت به انگلیسی چندفرهنگی در لندن را بررسی کرده‌اند و نقش این نگرش در برنامه‌ریزی زبانی را واکاویده‌اند. علی (Ali, 2019) به بررسی نگرش‌های زبانی در میان زنان مسلمان شهر بارسلون پرداخته است. لیو (Liu, 2020) نیز به رابطه طبقه اجتماعی، نگرش‌های زبانی و کاربرد زبان در میان دانشجویان دانشگاهی چینی پرداخته است. نقطه مشترک این دسته از پژوهش‌ها، تأکید آن‌ها بر اهمیت بررسی نگرش‌های زبانی در فرایند برنامه‌ریزی برای حفظ تنوع زبانی، انتخاب شیوه‌های آموزشی، و بررسی رابطه بین شأن اجتماعی و زبانی افراد یک جامعه است.

در ایران نیز پژوهش‌های گوناگونی در این زمینه انجام شده است. برخی از مرتبط‌ترین پژوهش‌ها به این شرح‌اند: افخمی و داوری اردکانی (Afkhami & Davari Ardakani, 2005) در مقاله‌ای به طرح مسئله تأثیر نگرش‌های زبانی در موفقیت برنامه‌ریزی زبان پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که کشف نگرش‌های زبانی فارسی‌زبانان می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های مؤسسات برنامه‌ریزی زبان باشد. شعبان (Sha'ban, 2010) با بررسی نگرش زبانی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان بروجرد به زبان فارسی، کوشیده است نگرش زبانی گروهی از گویشوران را نسبت به سطوح مختلف زبان فارسی (شأن، پیکره، آموزش و...) تعیین کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانش‌آموزان شهرستان بروجرد نگرشی تقریباً مثبت نسبت به زبان فارسی دارند و این نگرش مثبت در دختران بیشتر دیده می‌شود.

درابیده (Darabideh, 2010) نیز نشان داده است که دانش‌آموزان استان هرمزگان نگرشی مثبت نسبت به زبان فارسی دارند و این زبان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. داوری اردکانی و مصطفی (Davari Ardakani & Mostafa, 2011) نگرش زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی استان کردستان را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که

دانش‌آموزان این استان، زبان کردی، خصوصیات اخلاقی، دین، زبان فارسی و فرهنگ را از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی خود می‌دانند و بین نگرش مثبت به زبان کردی و فارسی، رابطه مستقیمی وجود دارد.

الماسی (Almasi, 2012) با بررسی نگرش‌های زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی دانشجویان استان زنجان، نشان داده است که این دانشجویان نگرشی تقریباً مثبت نسبت به زبان فارسی دارند و زبان فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مظفری (Mozaffari, 2014) نگرش شیرازی‌ها به تنوعات گونه‌ای فارسی در استان فارس را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که نگرش افراد مورد بررسی نسبت به کاربرد گونه معیار مثبت است، اما آنچه هنوز گونه شیرازی و گونه‌های محلی را زنده و پویا نگاه داشته، ویژگی‌هایی مانند احساس صمیمیت و تعلق به گونه محلی است که سبب ایجاد همبستگی میان گروه‌های اجتماعی و محلی معینی می‌شود.

پیروزفر (Pirouzfard, 2015) نگرش دوزبانه‌های کردزبان - فارسی‌زبان در شهر سنندج را نسبت به زبان فارسی معیار بررسی کرده و نشان داده است که به‌طور کلی نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به زبان فارسی معیار مثبت نیست، بلکه خنثی و متمایل به مثبت ارزیابی می‌شود.

رضا قلی فامیان (Reza Gholi Famian, 2016) در پژوهشی با عنوان «مطالعه موردی از ترکی آذری در شهرستان شبستر»، ۶۴ گویشور از چهار منطقه شهرستان شبستر در شمال غرب تبریز (شهرهای شبستر، شندآباد، دریان و خامنه) را به‌صورت تصادفی به‌عنوان آزمودنی انتخاب کرد. سپس پژوهشگر با استفاده از چهار نمونه صوتی ضبط‌شده از مناطق مذکور و یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته، نگرش آزمودنی‌ها را درباره این نمونه‌ها ارزیابی کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه میانسال و نیز گروه زنان در تشخیص دوری/نزدیکی گونه زبانی و نیز در شناسایی غیرهمشهری بودن گوینده، موفق‌تر از گروه جوان و گروه مردان عمل می‌کنند. به این ترتیب مشخص شد که در منطقه مورد مطالعه، میانسالان و زنان زبان‌آگاه‌ترند.

نظری (Nazari, 2018) به بررسی بازنمود نگرش جامعه فارسی‌زبان به خارجی‌ها و نقش اجتماعی مردان و زنان، و تأثیر عوامل جنسیت و سطح تحصیلات بر این نگرش پرداخته است و نتیجه گرفته است که نگرش جامعه به خارجی‌ها چندان مثبت نیست و این نگرش نه‌چندان مثبت، در زنان بیش از مردان به چشم می‌خورد.

۳. روش بررسی

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده‌اند و برای تحلیل از روش کمی و کیفی استفاده شده است. میدان پژوهش شهر کرج است. نمونه آماری پژوهش شامل ۲۵۰ دانشجو است که از دانشگاه علمی کاربردی شهرداری کرج، دانشگاه خوارزمی کرج و دانشگاه آزاد کرج به روش نیمه تصادفی و از رشته‌های مختلف انتخاب شده‌اند. گردآوری داده‌ها به روش پرسش‌نامه‌ای انجام شده است که شامل دو بخش اطلاعات فردی و نگرش‌سنجی است. بخش نگرش‌سنجی شامل ۲۰ پرسش پنج‌گزینه‌ای است (از شماره ۲۱-۴۰) که بر مبنای مقیاس لیکرت طراحی شده است و جنسیت، سن و زبان به عنوان متغیرهای اجتماعی مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

در این آزمون از مجموع ۲۵۰ پرسش‌نامه، ۲۲۴ پرسش‌نامه قابل بررسی بود. از این تعداد ۶۱/۶ درصد از آزمودنی‌ها مرد (M) و ۳۸/۴ درصد زن (F) هستند. ۴۵/۵ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال (A)، ۳۸/۸ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال (B) و ۱۵/۷ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال (C) قرار دارند. همچنین ۵۸/۹ درصد افراد فارسی‌زبان تک‌زبان (P)، ۲۲/۳ درصد افراد فارسی‌زبان دوزبانه که زبان اول آن‌ها فارسی است (N) و ۱۸/۸ درصد افراد فارسی‌زبان دوزبانه که زبان اول آن‌ها غیر از فارسی است (NN)^۱. همان‌طور که پیشتر ذکر شد ابزار پژوهش پرسشنامه‌ای متشکل از ۲۰ گویه است که

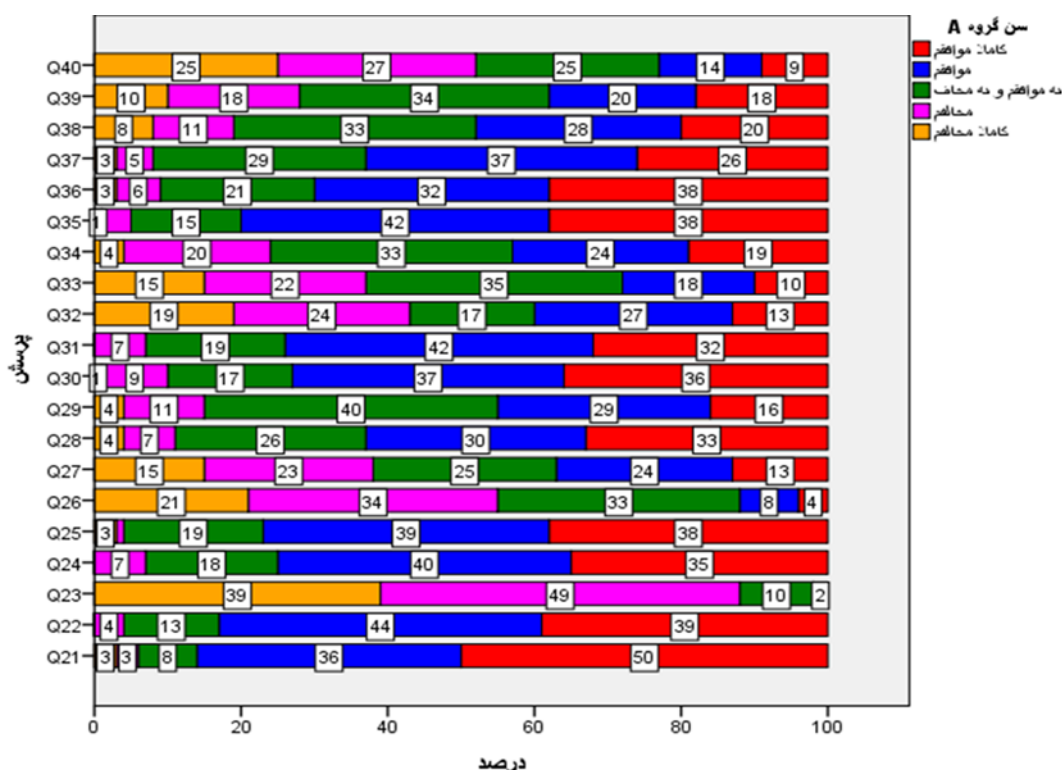
^۱ علائم اختصاری داخل پرانتز درگروه‌بندی به منظور تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

بر مبنای مقایس لیکرت تهیه شده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۱ و محاسبه آلفای کرونباخ تأیید شده است (برابر با ۰/۷۷۷).

۴. یافته‌ها

در این بخش، ۲۰ گویه که در قالب مقیاس لیکرت تنظیم شده‌اند و نگرش مثبت یا منفی افراد به گونه‌های محلی فارسی را می‌سنجند، با توجه به سه متغیر جنسیت، سن و گروه زبانی تحلیل می‌شوند. این پرسش‌ها در پرسش‌نامه، شماره‌های ۲۱ تا ۴۰ را شامل می‌شوند. معناداری تفاوت‌های پاسخ‌ها در گروه‌های مختلف با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون‌های غیرپارامتریک کروسکال - والیس و یومان - ویتنی سنجیده شده است. مقدار ضریب معناداری، تنها در مواردی که رابطه معنادار بوده است، در جدول‌ها ارائه شده است.

همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، در این پژوهش ۲۵۰ نفر شرکت داشتند. از این تعداد، ۲۶ پرسش‌نامه به دلیل ناقص بودن پاسخ‌ها یا قابل اعتماد نبودن داده‌ها کنار گذاشته شدند و در نهایت، ۲۲۴ پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیرهای سن، جنسیت و دوزبانگی ارائه می‌گردد. پاسخ‌های آزمودنی‌ها در گروه‌های مختلف مربوط به هر متغیر، در قالب نمودارهایی (مانند نمونه ۱ در ادامه) بررسی و مقایسه شده‌اند. پرسش‌های ۲۱ تا ۴۰ پرسش‌نامه به نگرش‌های زبانی اختصاص داشته‌اند.



شکل ۱: پاسخ‌های آزمودنی‌های گروه اول با توجه به متغیر سن

پاسخ‌ها به گویه ۲۱، «زبان ما در تعیین هویت ما به عنوان یک انسان عاملی حیاتی است»، که نگرش افراد نسبت به شأن گونه‌های زبان فارسی و نقش زبان در هویت را بررسی می‌کند، نشان می‌دهند که در گروه سنی اول ۸۶ درصد، در گروه سنی دوم ۸۷/۴ درصد و در گروه سنی سوم ۹۱/۷ درصد پاسخ کاملاً موافق یا موافق داده‌اند. به این ترتیب، با بالا رفتن سن به

تعداد افراد موافق با این گزاره افزوده شده است و از تعداد مخالفین کم شده است. با وجود این، تفاوت بین گروه‌ها به لحاظ آماری معنادار نیست. بررسی متغیر جنسیت نشان می‌دهد که ۸۷/۶ درصد مردان و ۸۷/۲ درصد زنان گزینه کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند و آزمون آماری نیز نشان می‌دهد که نقش جنسیت در نگرش افراد معنادار نیست. در میان تک‌زبان‌ها ۸۲/۶ درصد، دوزبان‌های که زبان فارسی زبان اولشان بوده است، ۹۰ درصد و در گروه سوم یعنی دوزبان‌هایی که زبان اولشان غیر از فارسی بوده است، ۱۰۰ درصد افراد کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند. این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست.

بررسی پاسخ‌ها به گویه ۲۲، «خوب است که مردم گونه‌های دیگر زبان فارسی را یاد بگیرند»، که به اهمیت آموزش و یادگیری گونه‌ها توجه دارد، نشان می‌دهد که در گروه سنی اول ۸۳ درصد، گروه سنی دوم ۸۵ درصد و گروه سنی سوم ۸۸/۹ درصد پاسخ کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند. در گروه سوم درصد پاسخ‌های مخالف صفر بوده است. در گروه مردان ۸۴/۶ درصد و در گروه زنان ۸۴/۹ درصد گزینه کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند. در گروه زبانی اول ۸۰/۳ درصد، گروه زبانی دوم ۹۰ و گروه سوم ۸۸/۱ درصد کاملاً موافق یا موافق بوده‌اند. با وجود این تفاوت پاسخ‌ها با توجه به متغیرهای مورد بررسی معنادار نیست.

پاسخ‌ها به گویه ۲۳، «زنده نگه داشتن گونه‌های زبان فارسی ائتلاف وقت است»، که نگرش افراد به حفظ گونه‌ها را می‌سنجد، نشان می‌دهد که در گروه سنی اول ۸۸ درصد، در گروه دوم ۷۸/۱ درصد و در گروه سوم ۸۰/۶ درصد گزینه مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. نکته جالب توجه این است که در گروه سنی اول یعنی جوان‌ترین گروه، درصد موافقین تفاوت قابل توجهی با سایر گروه‌ها و کمترین بسامد را دارد. آزمون آماری رابطه معناداری را بین سن و نگرش به زنده نگه داشتن گونه‌های زبان فارسی نشان نمی‌دهد. بررسی پاسخ‌ها با توجه به متغیر جنسیت نشان می‌دهد که ۸۴ درصد مردان و ۸۱ درصد زنان گزینه کاملاً مخالف یا مخالف و از سوی دیگر در مردان ۵/۸ درصد و در بین زنان حدود ۸ درصد گزینه کاملاً موافق و موافق را انتخاب کرده‌اند. آزمون یومن ویتنی نشان می‌دهد تأثیر جنسیت در نگرش افراد به آموزش گونه‌های محلی معنادار است (۰/۰۰۶). در گروه تک‌زبان‌ها ۸۱/۸ درصد، گروه زبانی دوم ۹۰ درصد و گروه زبانی سوم ۷۸/۶ درصد گزینه کاملاً مخالف یا مخالف را انتخاب کرده‌اند ولی تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۲۴، «صحبت کردن به گونه‌های دیگر را دوست دارم» که نگرش مثبت افراد به کاربرد روزمره گونه‌های محلی را می‌سنجد نشان می‌دهد که در گروه سنی اول، ۷۵ درصد، در گروه دوم ۸۰/۴ و در گروه سنی سوم ۹۴/۴ درصد افراد گزینه کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند. با افزایش سن درصد افراد موافق با این گزاره افزایش یافته و از درصد مخالفان کم شده است. بررسی متغیر جنسیت نشان می‌دهد که در گروه مردان ۷۸/۸ و در زنان ۸۲/۶ درصد گزینه کاملاً موافق و یا موافق را انتخاب کردند. علاوه بر این، در گروه زبانی اول ۷۵/۸، در گروه زبانی دوم ۸۸ و در گروه زبانی سوم ۸۵/۷ درصد افراد گزینه کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند که نشان می‌دهد موافقین در بین دوزبان‌ها بیشتر از تک‌زبان‌ها هستند. هیچ‌یک از متغیرها تأثیر معناداری در این میان نداشته‌اند.

گویه ۲۵، «گونه‌های زبان فارسی ارزش یاد گرفتن دارند»، نگرش آزمودنی‌ها را نسبت آموزش و یادگیری گونه‌های زبان فارسی می‌سنجد. در گروه سنی اول، ۷۷ درصد، گروه دوم حدود ۷۸ درصد و گروه سوم حدود ۸۹ درصد افراد کاملاً موافق یا موافق هستند که گونه‌های محلی زبان فارسی ارزش یادگیری دارد. به این ترتیب در گروه سنی سوم تعداد بیشتری از افراد بر این باور هستند ولی این تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان، حدود ۸۳ درصد و در بین زنان حدود ۷۳ درصد گزینه کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند و آزمون یومن ویتنی نیز نشان می‌دهد این تفاوت معنادار است (۰/۰۱۴). در گروه زبانی اول ۷۶/۵، در گروه دوم ۸۲ درصد و در گروه زبانی سوم ۸۵/۸ درصد افراد گزینه کاملاً موافق یا موافق را انتخاب کرده‌اند ولی تفاوت مشاهده شده معنادار نیست.

گویه ۲۶، «گونه‌های زبان فارسی در دنیای مدرن جایی ندارند»، نگرش آزمودنی‌ها را نسبت به جایگاه و شأن گونه‌های زبان فارسی در دنیای مدرن می‌سنجد. در گروه سنی اول ۵۵ درصد، در گروه سنی دوم ۵۵/۲ درصد و در گروه سنی سوم ۵۵/۶ افراد مخالف یا کاملاً مخالف این گویه هستند که در نهایت نتایج نشان می‌دهد که سن تأثیر معناداری بر تفاوت پاسخ‌ها نداشته است. بررسی متغیر جنسیت نشان می‌دهد که در گروه مردان ۵۳/۳ درصد و در گروه زنان ۵۸/۱ درصد مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زنان بیشتر از گروه مردان بوده است، اما درصد افراد موافق هم قابل توجه است ولی این تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنادار نیست. بررسی متغیر دوزبانگی نیز نشان می‌دهد که در گروه زبانی اول ۵۲/۳ درصد، در گروه زبانی دوم ۵۴ درصد و در گروه زبانی سوم ۶۴/۳ درصد مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۲۷، «بچه‌ها را نباید مجبور کرد گونه‌های دیگر زبان فارسی را یاد بگیرند»، نگرش نسبت به آموزش گونه‌های زبان فارسی به کودکان را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۳۸ درصد، در گروه سنی دوم ۳۶/۷ درصد و در گروه سنی سوم ۳۸/۹ درصد افراد مخالف یا کاملاً مخالف این گزاره هستند. بسامد مخالف‌ها در گروه سنی سوم بیشتر و در گروه سنی دوم کمتر بوده است، اما درصد افراد موافق هم قابل توجه است. با این وجود نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۴۱/۶ درصد و در گروه زنان ۳۱/۴ درصد مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است. درصد افراد موافق هم قابل توجه است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۳۳/۳ درصد، در گروه زبانی دوم ۳۸ درصد و در گروه زبانی سوم ۵۰ درصد مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است. درصد افراد موافق هم قابل توجه است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۲۸، «ما باید گونه‌های زبان فارسی را حفظ کنیم»، نگرش افراد نسبت به حفظ گونه‌های زبان فارسی را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۶۳ درصد، در گروه سنی دوم ۸۱/۶ درصد و در گروه سنی سوم ۷۷/۸ درصد موافق یا کاملاً موافق این گزاره هستند. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم بیشتر و در گروه سنی اول کمتر بوده است. آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد تأثیر سن در نگرش افراد به حفظ گونه‌های محلی معنادار است (۰/۰۳۶). در گروه مردان ۷۳/۷ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم، ۱۸/۲ درصد نه موافق و نه مخالف و ۸ درصد مخالف یا کاملاً مخالف را انتخاب کرده‌اند. در گروه زنان ۷۰/۹ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم، ۱۷/۴ درصد نه موافق و نه مخالف و ۱۱/۶ درصد مخالف را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان کمی بیشتر از گروه زنان بوده است. آزمون آماری رابطه معناداری را بین جنسیت و نگرش به حفظ گونه‌های زبان فارسی نشان نمی‌دهد. در گروه زبانی اول ۶۷ درصد، در گروه زبانی دوم ۷۸ درصد و در گروه زبانی سوم ۷۸/۶ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم انتخاب کرده‌اند. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۲۹، «من دوست ندارم زبان فارسی معیار به گونه‌های دیگر غالب شود»، نگرش افراد به شأن گونه‌ها و نظرشان نسبت به غلبه زبان فارسی را هدف قرار داده است. در گروه سنی اول ۴۵ درصد، در گروه سنی دوم ۵۲/۹ درصد و در گروه سنی سوم ۵۸/۴ درصد آزمودنی‌ها دوست ندارند که فارسی معیار به گونه‌های دیگر غالب شود. با افزایش سن درصد افراد موافق با این گزاره افزایش یافته و از درصد مخالفان کم شده است. با این وجود، نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۵۲/۶ درصد و در گروه زنان ۴۶/۵ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۴۳/۹ درصد، در گروه زبانی دوم ۶۰ درصد و در گروه زبانی سوم ۵۹/۶ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی دوم و سوم تقریباً برابر و بیشتر از گروه زبانی اول بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۰، «ترجیح می‌دهم برنامه‌های تلویزیون به زبان فارسی معیار باشد»، نگرش به کاربرد گونه‌ها و زبان فارسی معیار را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۷۳ درصد، در گروه سنی دوم ۶۹ درصد و در گروه سنی سوم ۸۸/۹ درصد ترجیح می‌دهند برنامه‌های تلویزیون به زبان فارسی معیار باشد. بین موافقین در گروه اول و سوم تفاوت قابل توجهی دیده می‌شود. با این وجود نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۷۴/۴ درصد و در گروه زنان ۷۳/۳ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان و زنان تقریباً برابر بوده است و نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۷۷/۳ درصد، در گروه زبانی دوم ۶۸ درصد و در گروه زبانی سوم ۷۱/۵ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی اول بیشتر و در گروه زبانی دوم کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۱، «استفاده از گونه‌های زبان فارسی در مراسم‌ها و جشن‌های سنتی مهم است»، نگرش افراد نسبت به کاربرد گونه‌های زبان فارسی را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۷۴ درصد، در گروه سنی دوم ۸۰/۴ درصد و در گروه سنی سوم ۷۵ درصد موافق این گزاره هستند که استفاده از گونه‌های زبان فارسی در مراسم‌ها و جشن‌ها مهم است. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم بیشتر و در گروه سنی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۷۵/۲ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم و در گروه زنان ۷۹ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زنان بیشتر از گروه مردان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۷۶/۵ درصد، در گروه زبانی دوم ۸۴ درصد و در گروه زبانی سوم ۶۹/۱ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی دوم بیشتر و در گروه زبانی سوم کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

پاسخ‌ها به گویه ۳۲، «سنت‌های قدیمی را می‌توان بدون حفظ زبان‌های قدیمی حفظ نمود»، که به شأن و جایگاه گونه‌ها توجه دارد، نشان می‌دهد که در گروه سنی اول ۴۳ درصد، در گروه سنی دوم ۵۴ درصد و در گروه سنی سوم ۵۵/۵ درصد پاسخ مخالفم یا کاملاً مخالفم را انتخاب کرده‌اند. با بالا رفتن سن افراد بیشتر معتقدند که زبان نقش مهمی در حفظ سنت‌های قدیمی دارد. با این وجود نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۴۷/۴ درصد و در گروه زنان ۵۲/۳ درصد مخالفم یا کاملاً مخالفم را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زنان بیشتر از گروه مردان بوده است. با این وجود نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۴۸/۵ درصد، در گروه زبانی دوم ۵۲ درصد و در گروه زبانی سوم ۵۰ درصد مخالفم یا کاملاً مخالفم را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زبانی دوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

بررسی پاسخ‌ها به گویه ۳۳، «در جامعه ما تلاش زیادی برای حفظ گونه‌های زبان فارسی می‌شود» که نگرش افراد نسبت به کفایت برنامه‌ریزی برای حفظ گونه‌ها را نشان می‌دهد، گویای آن است که در گروه سنی اول ۲۸ درصد، در گروه سنی دوم ۴۰/۲ درصد و در گروه سنی سوم ۴۷/۲ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. با افزایش سن درصد افراد موافق افزایش پیدا کرده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۴۰/۱ درصد و در گروه زنان ۲۹/۱ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم بسامد موافق‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۳۴/۱ درصد، در گروه زبانی دوم ۳۶ درصد و در گروه زبانی سوم ۴۰/۴ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۴، «گونه‌های زبان فارسی را باید در مدرسه آموزش داد»، نگرش به آموزش گونه‌های زبان فارسی در مدرسه را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۴۳ درصد، در گروه سنی دوم ۶۰/۹ درصد و در گروه سنی سوم ۶۱/۱ درصد کاملاً موافق یا موافق این گزاره هستند که گونه‌های زبان فارسی را باید در مدرسه آموزش داد. بسامد موافق‌ها در گروه سنی سوم بیشتر و در

گروه سنی اول کمتر بوده است. آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که رابطه بین سن و نگرش به آموزش گونه‌های زبان فارسی در مدرسه معنادار است (۰/۰۴۶). در گروه مردان ۵۴/۸ درصد و در گروه زنان ۵۰ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۴۶/۲ درصد، در گروه زبانی دوم ۶۰ درصد و در گروه زبانی سوم ۶۶/۷ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است. آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که رابطه زبان و نگرش به آموزش گونه‌های زبان فارسی در مدرسه معنادار است (۰/۰۴۷).

بررسی پاسخ‌ها به گویه ۳۵، «انتقال دانش زبانی گونه‌های فارسی به نسل‌های بعد مهم است»، که نگرش افراد نسبت به اهمیت آموزش گونه‌های محلی به نسل‌های بعدی را می‌سنجد، نشان می‌دهد که در گروه سنی اول ۸۰ درصد، در گروه سنی دوم ۸۳/۹ درصد و در گروه سنی سوم ۸۳/۳ درصد کاملاً موافق یا موافق این گزاره هستند که انتقال دانش زبانی گونه‌های فارسی به نسل‌های بعد مهم است. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم بیشتر و در گروه سنی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۷۷/۴ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم و در گروه زنان ۸۹/۶ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زنان بیشتر از گروه مردان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۷۸/۱ درصد، در گروه زبانی دوم ۸۴ درصد و در گروه زبانی سوم ۹۲/۸ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۶، «من به حفظ زبانها و گویش‌های محلی اهمیت می‌دهم»، اهمیت به حفظ زبان‌ها و گویش‌های محلی را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۷۰ درصد، در گروه سنی دوم ۸۵/۱ درصد و در گروه سنی سوم ۷۷/۸ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند، یعنی به حفظ زبان‌ها و گویش‌های محلی اهمیت می‌دهند. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم بیشتر و در گروه سنی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۷۶/۶ درصد و در گروه زنان ۷۷/۹ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زنان کمی بیشتر از گروه مردان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۷۴/۳ درصد، در گروه زبانی دوم ۷۲ درصد و در گروه زبانی سوم ۹۲/۸ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی دوم کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۷، «گونه‌های محلی را باید در رادیو و تلویزیون استفاده کرد»، نگرش به کاربرد گونه‌های محلی در رسانه را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۶۳ درصد، در گروه سنی دوم ۸۶/۲ درصد و در گروه سنی سوم ۸۰/۵ درصد موافق استفاده از گونه‌های محلی در رادیو و تلویزیون هستند. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم بیشتر و در گروه سنی اول کمتر بوده است. آزمون آماری نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و نگرش به استفاده از گونه‌های محلی در تلویزیون وجود دارد (۰/۰۰۰). در گروه مردان ۷۸/۱ درصد و در گروه زنان ۶۹/۸ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۶۸/۹ درصد، در گروه زبانی دوم ۸۲ درصد و در گروه زبانی سوم ۸۵/۸ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۸، «گونه‌های محلی را باید در سینما استفاده کرد»، نگرش به کاربرد گونه‌های محلی در سینما را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۴۸ درصد، در گروه سنی دوم ۷۲/۴ درصد و در گروه سنی سوم ۶۶/۷ درصد کاملاً موافق یا موافق استفاده از گونه‌های محلی در سینما هستند. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم بیشتر و در گروه سنی اول کمتر بوده است. آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و نگرش به استفاده از گونه‌های محلی در سینما وجود

دارد (۰/۰۰۵). در گروه مردان ۶۲/۱ درصد و در گروه زنان ۵۸/۱ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۵۶/۸ درصد، در گروه زبانی دوم ۶۲ و در گروه زبانی سوم ۷۱/۵ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۳۹، «همه افراد در هر جایگاهی باید فارسی را با لهجه محلی خود صحبت کنند»، نگرش نسبت کاربرد گونه محلی را می‌سنجد. در گروه سنی اول ۳۸ درصد، در گروه سنی دوم ۵۲/۸ درصد و در گروه سنی سوم ۵۲/۷ درصد کاملاً موافق یا موافق این گزاره هستند که همه افراد در هر جایگاهی باید فارسی را با لهجه محلی خود صحبت کنند. بسامد موافق‌ها در گروه سنی دوم و سوم بیشتر و تقریباً برابر هم و در گروه سنی اول کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه مردان ۴۸/۲ درصد و در گروه زنان ۴۳ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه مردان بیشتر از گروه زنان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۴۵/۵ درصد، در گروه زبانی دوم ۵۲ درصد و در گروه زبانی سوم ۴۲/۹ درصد پاسخ کاملاً موافقم یا موافقم را انتخاب کرده‌اند. بسامد موافق‌ها در گروه زبانی دوم بیشتر و در گروه زبانی سوم کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

گویه ۴۰، «نسبت به افرادی که فارسی را با لهجه صحبت می‌کنند، حس خوبی ندارم»، نگرش افراد نسبت به شأن گونه‌های محلی را هدف قرار داده است. در گروه سنی اول ۵۲ درصد، در گروه سنی دوم ۴۰/۲ درصد و در گروه سنی سوم ۴۷/۲ درصد پاسخ مخالفم یا کاملاً مخالفم را به این گزاره داده‌اند، یعنی نسبت به افرادی که فارسی را با لهجه صحبت می‌کنند، حس بدی ندارند. بسامد مخالف‌ها در گروه سنی اول بیشتر و در گروه سنی دوم کمتر بوده است. در گروه مردان ۴۳/۸ درصد و در گروه زنان ۵۱/۲ درصد مخالفم یا کاملاً مخالفم را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زنان بیشتر از گروه مردان بوده است اما نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست. در گروه زبانی اول ۴۴/۷ درصد، در گروه زبانی دوم ۴۴ درصد و در گروه زبانی سوم ۵۴/۷ درصد مخالفم یا کاملاً مخالفم را انتخاب کرده‌اند. بسامد مخالف‌ها در گروه زبانی سوم بیشتر و در گروه زبانی دوم کمتر بوده است. نتایج به لحاظ آماری معنادار نیست.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی نگرش افراد نسبت به گویه‌های ۲۱ تا ۴۰، که حوزه‌های مختلف نگرش زبانی مانند شأن، آموزش، حفظ و کاربرد را با استفاده از گزاره‌های مثبت و منفی مورد سنجش قرار می‌دادند، نشان داد که متغیرهای اجتماعی در همه موارد، از نظر آماری تأثیر معناداری نداشته‌اند. جدول ۱، گویه‌هایی را نشان می‌دهد که تفاوت پاسخ‌ها در آن‌ها، با توجه به یک یا چند متغیر اجتماعی، معنادار بوده است.

همان‌طور که مشهود است، در سه حوزه حفظ، آموزش و کاربرد گونه‌ها، سن به عنوان متغیری تأثیرگذار عمل کرده است؛ بر اساس نتایج، افراد جوان‌تر که در گروه سنی اول قرار دارند، در مقایسه با دو گروه سنی دیگر، اهمیت کمتری برای حفظ، آموزش و کاربرد گونه‌ها قائل هستند و نگرش مثبت به این حوزه‌ها با افزایش سن رشد می‌یابد. همچنین، مردان نسبت به زنان نگرش مثبت‌تری نسبت به حفظ و آموزش گونه‌های محلی زبان فارسی دارند. در حوزه آموزش نیز، همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، افراد دوزبانه در مقایسه با تک‌زبانه‌ها اهمیت بیشتری برای آموزش زبان‌های محلی قائل هستند. علاوه بر تأثیر متغیرهای مورد بررسی، پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در این آزمون از منظر نگرش آن‌ها نسبت به شأن، حفظ، آموزش و کاربرد گونه‌های محلی نیز مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور، گویه‌هایی که تمرکز بر سنجش نگرش افراد در هر یک از این حوزه‌ها داشتند، به صورت جداگانه در جدول‌های مجزا گزارش شده‌اند. جدول ۲ نتیجه بررسی نگرش افراد نسبت به شأن گونه‌های محلی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: معناداری تأثیر متغیرها بر نگرش زبانی

نگرش به	گویه	متغیر	ضریب معناداری	نتیجه
حفظ	۲۳- زنده نگه داشتن گونه‌های زبان فارسی اتلاف وقت است.	جنسیت	۰/۰۰۶	درصد بیشتری از مردان با این گزینه مخالفت کرده‌اند.
	۲۸- ما باید گونه‌های زبان فارسی را حفظ کنیم.	سن	۰/۰۳۶	درصد کمتری از افراد گروه سنی اول (جوان‌ترین) با این گویه موافق بوده‌اند.
آموزش	۲۵- گونه‌های زبان فارسی ارزش یاد گرفتن دارند.	جنسیت	۰/۰۱۴	درصد بیشتری از مردان در مقایسه با زنان با این گویه موافق بوده‌اند.
	۳۴- گونه‌های زبان فارسی را باید در مدرسه آموزش داد.	سن	۰/۰۴۶	درصد کمتری از اعضای گروه سنی اول با این گویه موافق بوده‌اند.
	۳۴- گونه‌های زبان فارسی را باید در مدرسه آموزش داد.	زبان	۰/۰۴۷	درصد بیشتری از دوزبان‌ها در مقایسه با تک‌زبان‌ها با این گویه موافق بوده‌اند.
کاربرد	۳۷- گونه‌های محلی را باید در رادیو و تلوزیون استفاده کرد.	سن	۰/۰۰۰	درصد کمتری از افراد گروه سنی اول (جوان‌ترین) با این گویه موافق بوده‌اند.
	۳۸- گونه‌های محلی را باید در سینما استفاده کرد.	سن	۰/۰۰۵	درصد کمتری از افراد گروه سنی اول (جوان‌ترین) با این گویه موافق بوده‌اند.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، اکثر آزمودنی‌ها یعنی ۸۷/۵۰ درصد آزمودنی‌ها باور دارند که زبان در تعیین هویت نقش مهمی ایفا می‌کند. بیش از ۸۰ درصد آزمودنی‌ها نسبت به صحبت به گونه محلی نگرش مثبت دارند. بررسی گویه‌های منفی مرتبط با شأن گونه‌های محلی نیز نشان می‌دهد که حدود ۵۵ درصد آزمودنی‌ها به جایگاه زبان‌های محلی در زبان‌های دنیا باور دارند و تنها حدود ۱۷ درصد از آزمودنی‌ها جایگاهی برای گونه‌های محلی زبان فارسی در بین زبان‌های دنیا قائل نیستند. بیش از ۵۰ درصد آزمودنی‌ها نسبت به غلبه فارسی معیار بر گونه‌های دیگر فارسی، نگرش منفی دارند. حدود ۳۶ درصد پاسخ‌دهندگان باور دارند که زبان نقشی در حفظ سنت‌ها ندارد و حدود ۵۰ درصد با این گزینه مخالف هستند. علاوه بر این، تنها حدود ۲۶ درصد پاسخ‌دهندگان اذعان داشته‌اند که نسبت افرادی که به گونه‌های محلی زبان فارسی صحبت می‌کنند نگرش منفی دارند و اغلب آنها یعنی حدود ۴۶ درصد نگرش منفی ندارند. به این ترتیب، در مجموع با توجه به میانگین‌های پاسخ‌ها به گویه‌های مثبت و منفی می‌توان گفت که در حوزه شأن گونه‌های محلی زبان فارسی، ۶۳ درصد افراد نگرش مثبت، ۱۸/۹۶ درصد افراد نگرش منفی و ۱۸/۰۲ درصد افراد موضعی بی‌تفاوت دارند.

بر اساس میانگین‌ها در گویه‌های مثبت و منفی می‌توان به این نتیجه رسید که پاسخ‌ها در مجموع ۳۱ درصد پاسخ‌دهندگان نگرش مثبتی به شأن گونه‌های محلی دارند. حدود ۳۶ درصد افراد موضعی بی‌تفاوت در این زمینه اختیار کرده‌اند و حدود ۱۹ درصد افراد نیز نگرشی منفی به شأن گونه‌های محلی داشته‌اند.

نگرش افراد نسبت به حفظ گونه‌های محلی زبان فارسی در جدول ۳ نشان داده شده است. در مجموع حدود ۷۵ درصد افراد نگرش مثبت و تنها کمتر از ۸ درصد افراد نگرش منفی به حفظ گونه‌های محلی دارند. حدود ۷۲/۷۷ درصد افراد باور دارند که باید گونه‌های محلی را حفظ کرد و ۷۷/۲۳ درصد نیز اذعان کرده‌اند که حفظ گونه‌ها برایشان اهمیت دارد و تنها ۶/۲۵ درصد افراد حفظ گونه‌های محلی را اتلاف وقت می‌دانند. به این ترتیب، در یک نتیجه‌گیری کلی درباره نگرش افراد نسبت به حفظ گونه‌های محلی می‌توان گفت که حدود ۷۹ درصد افراد به حفظ گونه‌های محلی نگرش مثبت، حدود ۷ درصد نگرش منفی و حدود ۱۳/۹۴ درصد افراد موضعی بی‌تفاوت دارند.

جدول ۲: توزیع درصدی پاسخ‌ها در بررسی نگرش نسبت به شأن زبان

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالقم	کاملاً مخالفم
۲۱- نگرش مثبت به نقش زبان در هویت	۵۶/۲۵	۳۱/۲۵	۷/۵۹	۳/۵۷	۱/۳۴
۲۴- نگرش مثبت به صحبت به گونه محلی	۴۲/۴۱	۳۷/۹۵	۱۳/۸۴	۵/۳۶	۰/۴۴
میانگین بررسی نگرش به گویه‌های مثبت	۴۹/۳۳	۳۴/۶	۱۰/۷۱	۴/۴۶	۰/۸۹
	۸۳/۹۳			۵/۳۵	
۲۶- نگرش منفی به جایگاه گونه‌های محلی	۶/۶۹	۱۰/۲۷	۲۸/۱۳	۲۵/۷۲	۱۹/۱۹
۲۹- نگرش منفی به غلبه گونه معیار	۲۰/۰۹	۳۰/۳۶	۳۲/۱۴	۱۲/۵	۴/۹۱
۳۲- نگرش منفی به نقش زبان در حفظ سنت	۱۲/۵	۲۳/۶۶	۱۴/۲۹	۲۹/۰۲	۲۰/۵۳
۴۰- نگرش منفی به افرادی که فارسی را با لهجه صحبت می‌کنند	۱۱/۶۱	۱۵/۱۸	۲۶/۷۸	۲۴/۵۶	۲۱/۸۷
میانگین بررسی نگرش به گویه‌های منفی	۱۲/۷۲	۱۹/۸۶	۲۵/۳۳	۲۵/۴۵	۱۶/۶۲
	۳۲/۵۸			۴۲/۰۷	

جدول ۳: توزیع درصدی پاسخ‌ها در بررسی نگرش به حفظ گونه‌ها

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالقم	کاملاً مخالفم
۲۸- باید گونه‌های زبان فارسی را حفظ کنیم.	۴۰/۱۸	۳۲/۵۹	۱۷/۸۵	۷/۱۵	۲/۲۳
۳۶- من به حفظ زبانها و گویش‌های محلی اهمیت می‌دهم.	۴۲/۴۱	۳۴/۸۲	۱۶/۵۲	۴/۴۶	۱/۷۹
میانگین نگرش به گویه‌های مثبت	۴۱/۳	۳۳/۷	۱۷/۱۸	۵/۸	۲/۰۱
	۷۵			۷/۸۱	
۲۳- زنده نگه داشتن گونه‌های زبان فارسی اتلاف وقت است.	۴/۰۱	۲/۲۴	۱۰/۷	۴۳/۷۶	۳۹/۲۹
میانگین نگرش به گویه‌های منفی	۶/۲۵				۸۳/۰۵

جدول ۴: توزیع درصدی پاسخ‌ها در بررسی نگرش به آموزش گونه‌ها

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالقم	کاملاً مخالفم
۲۲- خوب است که مردم گونه‌های دیگر زبان فارسی را یاد بگیرند	۴۶/۸۸	۳۷/۹۵	۱۱/۶	۲/۶۸	۰/۸۹
۳۴- گونه‌های زبان فارسی را باید در مدرسه آموزش داد.	۲۵	۲۸/۱۳	۲۶/۷۹	۱۶/۹۶	۳/۱۲
۳۵- انتقال دانش زبانی گونه‌های فارسی به نسل‌های بعد مهم است.	۴۱/۵۲	۴۰/۶۳	۱۳/۳۹	۳/۵۷	۰/۸۹
میانگین نگرش به گویه‌های مثبت	۳۷/۸	۳۵/۵۷	۱۷/۲۶	۷/۷۳	۱/۶۳
	۷۳/۳۷			۹/۳۶	
۲۷- کودکان را نباید به یادگیری گونه‌های محلی زبان فارسی مجبور کرد	۱۵/۱۷	۲۲/۷۶	۲۴/۵۶	۲۳/۶۷	۱۳/۸۴
میانگین نگرش به گویه‌های منفی	۳۷/۹۳				۳۷/۵۱

نگرش افراد نسبت به اهمیت آموزش و یادگیری گونه‌های محلی در جدول ۴ نمایش داده شده است. همان‌طور که مشهود است، حدود ۷۳ درصد افراد به آموزش گونه‌های محلی و اهمیت یادگیری گونه‌ها نگرش مثبت دارند. و تنها ۹/۳۶ درصد با آموزش گونه‌های محلی مخالف هستند. حدود ۱۷ درصد نیز موضع بی‌تفاوت اتخاذ کرده‌اند.

همان‌طور که در جدول دیده می‌شود، حدود ۳۷ درصد افراد معتقدند که نباید کودکان را مجبور به یادگیری گونه‌های محلی کرد و ۳۷ درصد هم باور دارند که اجبار لازم است.

نتایج بررسی نگرش افراد به کاربرد گونه‌های محلی زبان فارسی در جدول ۵ نشان داده شده است. همان‌طور که مشهود است، ۷۶/۷۸ درصد با کاربرد گونه‌ها در مراسم‌ها، ۷۵ درصد با کاربرد گونه‌ها در رادیو و تلویزیون، ۶۰/۷۱ درصد با کاربرد گونه‌ها در سینما و ۴۶/۴۳ درصد با کاربرد گونه‌های محلی زبان فارسی در هر جایگاهی موافق هستند. به این ترتیب، کمتر از نیمی از افراد پاسخ‌دهنده با کاربرد گونه‌ها در هر جایگاهی موافق بوده‌اند. به این ترتیب، در مجموع حدود ۶۵ درصد افراد نگرش مثبت، حدود ۱۵ درصد افراد نگرش منفی و حدود ۲۰ درصد موضعی بی‌تفاوت نسبت به کاربرد گونه‌های محلی زبان فارسی داشته‌اند.

جدول ۵: توزیع درصدی پاسخ‌ها در بررسی نگرش به کاربرد گونه‌ها

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	بی تفاوت	مخالفم	کاملاً مخالفم
۳۱- اهمیت کاربرد گونه‌های زبان فارسی در مراسم‌ها	۳۸/۳۹	۳۸/۳۹	۱۶/۵۲	۴/۹۱	۱/۷۹
۳۷- لزوم کاربرد گونه‌های محلی در رادیو و تلویزیون	۴۰/۱۸	۳۴/۸۲	۱۷/۴۱	۶/۲۵	۱/۳۴
۳۸- لزوم کاربرد گونه‌های محلی در سینما	۲۷/۲۳	۳۳/۴۸	۲۵	۸/۹۳	۵/۳۶
۳۹- لزوم کاربرد گونه‌های محلی در هر جایگاهی	۲۱/۸۷	۲۴/۵۶	۲۳/۶۶	۱۸/۷۵	۱۱/۱۶
میانگین نگرش به کاربرد گونه‌های محلی	۳۱/۹۱	۳۲/۸۱	۲۰/۶۴	۹/۷۱	۴/۹۱
۳۰- ترجیح می‌دهم برنامه‌های تلویزیون به زبان فارسی معیار باشد.	۳۹/۲۸	۳۴/۸۲	۱۵/۶۳	۷/۱۵	۳/۱۲

در عین حال، گویه ۳۰ نگرش افراد را نسبت به استفاده از زبان فارسی معیار در برنامه‌های تلویزیونی مورد بررسی قرار داد. نکته جالب توجه این است که با وجود این که ۷۵ درصد افراد با لزوم کاربرد گونه‌های محلی در رادیو و تلویزیون موافق بوده‌اند، حدود ۷۴ درصد در واکنش به گویه ۳۰ اظهار داشته‌اند که ترجیح می‌دهند برنامه‌های تلویزیون به زبان فارسی معیار باشد. گویه ۳۳ ارزیابی پاسخ‌دهندگان را نسبت به برنامه‌ریزی زبانی کشور در جهت حفظ گونه‌های محلی زبان فارسی نشان می‌دهد. بر اساس پاسخ‌ها، حدود ۳۶ درصد معتقدند که تلاش زیادی در جهت حفظ گونه‌ها انجام شده است و حدود ۳۷ درصد نیز باور دارند که تلاش زیادی صورت نگرفته است.

در مجموع، بیشترین نگرش مثبت به حوزه حفظ گونه‌ها (۷۹ درصد) و پس از آن به اهمیت آموزش و یادگیری گونه‌های محلی (۷۳ درصد) تعلق دارد. همچنین، ۶۵ درصد افراد نگرش مثبتی نسبت به کاربرد گونه‌های محلی و ۶۳ درصد نگرش مثبت نسبت به شأن گونه‌های محلی داشته‌اند. در عین حال، رابطه نگرش به حفظ گونه‌ها با سن و جنسیت معنادار است؛ رابطه نگرش به آموزش گونه‌ها با سن، زبان و جنسیت معنادار است؛ و رابطه نگرش به کاربرد گونه‌ها با سن معنادار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که نظرات موافق با یادگیری گونه‌ها، صحبت کردن به گونه‌های محلی، نقش زبان در حفظ سنت‌های قدیمی، تلاش برای حفظ گونه‌ها در جامعه، غالب نشدن فارسی معیار بر گونه‌های دیگر و استفاده از زبان محلی در هر جایگاهی، با افزایش سن آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد. مردان بیشتر موافق استفاده از گونه‌های محلی در رادیو و

تلویزیون هستند، در حالی که زنان بیشتر موافق صحبت کردن به گونه‌های دیگر و انتقال دانش زبانی به نسل‌های بعد بوده‌اند؛ اما در عین حال بیشتر از مردان معتقدند که نباید بچه‌ها را مجبور به یادگیری گونه‌های دیگر کرد. از طرفی با افزایش سن، درصد مخالفان با این گزاره افزایش یافته است، هرچند موافقان نیز کم نیستند که این موضوع در بحث حفظ گونه‌ها جای تأمل دارد. گروه زبانی سوم، یعنی افراد دوزبانه‌ای که زبان اول‌شان غیر فارسی است، بیشتر موافق استفاده از گونه‌های زبان فارسی در رادیو، تلویزیون و سینما هستند. درباره‌ی گزاره‌ای که گونه‌های زبان فارسی در دنیای مدرن جایی ندارند، درصد افراد مخالف در گروه‌های مختلف سنی، جنسیتی و زبانی بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است، اما درصد موافقان و افراد بی‌تفاوت نیز کم نیست که این موضوع نیز در بحث کاربرد گونه‌ها جای تأمل دارد.

منابع

- افخمی، علی و داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۴). «برنامه ریزی زبان و نگرش‌های زبانی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۵۶ (۱۷۳)، ۱-۲۳.
- الماسی، فرحناز (۱۳۹۱). بررسی نگرش‌های زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی دانشجویان استان زنجان سال تحصیلی ۹۱-۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.
- آهنگری، زهرا (۱۳۹۵). بررسی نگرش‌های زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی در مدرسه‌های بین‌المللی و تطبیقی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران جنوب.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۴). «زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض». مجله فرهنگ مردم ایران، (۵ و ۶)، ۶۵-۸۴.
- پیروزر، ماندانا (۱۳۹۴). بررسی نگرش دوزبانه‌های کردزبان - فارسی‌زبان ساکن در شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- داوری اردکانی، نگار و مصطفی، تحسین (۱۳۹۰). «بررسی نگرش‌های زبانی و جایگاه دو زبان فارسی و کردی در هویت ملی». ایران نامه، (۱ و ۲)، ۲۲۲-۲۰۹.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۴). «روش‌شناسی پژوهش در مطالعات گویش‌شناسی». مجله زبان‌شناخت، ۶ (۱۲)، ۱۱۷-۱۴۳.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی زبانی مناسب برای دانش‌آموزان دوزبانه ایرانی در ارتباط با جامعه ایران، طرح پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضاقلی فامیان، علی‌رضا (۱۳۹۵). «گویش‌شناسی ادراکی؛ مطالعه‌ای موردی از ترکی آذری در شهرستان شبستر». جستارهای زبانی، ۷ (۵)، ۷۳-۹۶.
- رمضانی، احمد، رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و واسو جویباری، خدیجه (۱۳۹۳). «بررسی کاربرد زبان‌های مازندرانی و فارسی در شهر جویبار»، مجله زبان‌شناخت، ۵ (۲)، ۳۱-۵۰.
- شعبانی، مهتاب (۱۳۸۹). بررسی نگرش زبانی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر بروجرد به زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زبان، ویراست سوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشایخ، طاهره (۱۳۸۱). بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی و والدین آن‌ها در رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مظفری، شراره (۱۳۹۳). نگرش فارسی‌زبانان نسبت به گونه شیرازی و فارسی معیار، رساله دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مغانی، حسین (۱۳۹۱). جهانی شدن و زبان جهانی: تحلیل نگرش‌های زبانی فارسی‌زبانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

میرزاپور، فاطمه، رضایتی کیشه خاله، محرم و موسوی، سید هاشم (۱۳۹۵). «بررسی نگرش‌های زبانی در گویش تالشی». زبان و زبان‌شناسی، ۲۳(۱۲)، ۹۹-۱۲۰.

نظری باوندیور، احسان (۱۳۹۷). بازنمود زبانی نگرش جامعه فارسی زبانان به خارجی‌ها و نقش اجتماعی مردان-زنان و تأثیر عوامل جنسیت و سطح تحصیلات بر این نگرش: بررسی اجتماعی-شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Adegbija, E. E. (1994). *Language attitudes in Sub-Saharan Africa: A sociolinguistic overview* (Vol. 103). Multilingual Matters.

Afkhami, A., & Davari Ardakani, N. (2005). Language planning and language attitudes. *Quarterly Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran*, 56(173), 1-23.

Ahangari, Z. (2016). *The study of linguistic attitudes and national identity components in adaptive and international schools in Tehran* (Master's thesis, Payame Noor University, South Tehran).

Ali, F. (2019). *Language attitudes among Muslim women in Barcelona* (Master's thesis, State University of New York at Albany).

Almasi, F. (2012). *Survey of language attitudes and components of national identity of students in Zanjan province in the academic year of 1991-92* (Master's thesis, Payame Noor University of Tehran).

Bamgbose, A. (1991). *Language and the nation: The language question in Sub-Saharan Africa*. Edinburgh University Press.

Bashir Nejad, H. (2004). Local languages of Iran and the danger of extinction. *Iranian People's Culture Quarterly*, (5-6), 65-84.

Brisk, M. E. (2001). Bilingual education. In P. Trudgill, J. Chambers, & N. Schilling-Estes (Eds.), *Concise encyclopaedia of sociolinguistics* (pp. 696-699). Elsevier.

Davari Ardakani, N., & Tahsin, M. (2011). A study of linguistic attitudes and the place of Persian and Kurdish languages in national identity. *Iran Name*, (1-2), 209-222.

Deumert, A. (2001). Language planning: Models. In P. Trudgill, J. Chambers, & N. Schilling-Estes (Eds.), *Concise encyclopaedia of sociolinguistics* (pp. 644-647). Elsevier.

Dorabide, A. (2010). *The study of linguistic attitudes and national identity components among pre-university students of Hormozgan Province* (Master's thesis, Payame Noor University of Tehran).

Garrett, P., Coupland, N., & Williams, A. (2003). *Investigating language attitudes: Social meanings of dialect, ethnicity and performance*. University of Wales Press.

Geeraerts, D., Kristiansen, G., & Peirsman, Y. (Eds.). (2010). *Advances in cognitive sociolinguistics* (Vol. 45). Walter de Gruyter.

Kircher, R., & Fox, S. (2019). Attitudes towards Multicultural London English: Implications for attitude theory and language planning. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 40(10), 847-864.

Liu, B. (2020). Social class, language attitudes, and language use: A case study of Chinese university students. *Chinese Language and Discourse*, 11(1), 5-30.

Mashayekh, T. (2002). *The use of Persian and Gilaki among pre-university students and their parents in Rasht* (Master's thesis, Institute for Humanities and Cultural Studies).

- Miller, L. (2017). The relationship between language proficiency and language attitudes: Evidence from young Spanish-English bilinguals. *Spanish in Context*, 14(1), 99-123.
- Mirzapour, F., Rezayati Kish Khale, M., & Mousavi, S. H. (2016). Investigating linguistic attitudes in Talysh dialect. *Language and Linguistics*, (23), 99-129.
- Modarresi, Y. (2012). *An introduction to sociolinguistics* (3rd ed.). Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Moghani, H. (2011). *Globalization and global language: Language attitudes of Persian speakers* (Master's thesis, Shahid Beheshti University).
- Mozafari, S. (2014). *Attitudes of Persian speakers towards Shirazi variety and standard Persian* (Doctoral dissertation, Institute for Humanities and Cultural Studies).
- Nazari Bavandpour, E. (2018). *Linguistic representation of Persian speaking society attitudes towards foreigners and men-women social roles, and the impact of gender and education on these attitudes* (Master's thesis, Institute for Humanities and Cultural Studies).
- Pirouz Far, M. (2015). *Investigating the attitude of Kurdish-Persian bilinguals in Sanandaj towards standard Persian language* (Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad).
- Preston, D. R. (Ed.). (1999). *A handbook of perceptual dialectology*. Amsterdam: John Benjamins.
- Ramezani, A., Rostambeik, A., & Vasoo Juybari, K. (2014). A study of the use of Mazandarani and Farsi in Jouybar. *Language Study*, 5(2), 31-50.
- Reza Gholi Famian, A. (2016). Perceptual dialectology: A case study of Azeri Turks in Shabestar City. *Bimonthly of Linguistic Essays*, 7(5), 73-96.
- Rostambeik Tafreshi, A. (2015). On the methodology of research in dialectology. *Language Study*, 6(2), 117-143.
- Rostambeik Tafreshi, A. (2017). *Proper language planning for Iranian bilingual students in accordance with the Iran's constitution* (Research project, Institute for Humanities and Cultural Studies).
- Saeli, H. (2018). Tehrani people's attitudes toward accented Persian: Impact of gender, age, and education level. *International Multilingual Research Journal*, 12(4), 237-254.
- Sha'ban, M. (2010). *Studying the linguistic high-school students' viewpoints about Farsi in Brougerd* (Master's thesis, Payame Noor University of Tehran).